

مادر ترزا، بیل گیتز، مارگارت تاچر، من و شما، هر کدام یک رهبریم. رهبر بودن به معنای سیاستمدار بودن نیست. هر کس یک رهبر است. رهبر کسی است که پیروانی دارد. رهبری یعنی نفوذ. ما زمانی رهبر هستیم که بتوانیم در جهت تحقق یک رویای مشترک، بر دیگران اثر بگذاریم. با فرض اینکه هر فردی می تواند رهبر باشد، عده ای رهبرند و عده ای دیگر رهبرانی تاثیر گذارند.

پنج سطح رهبری:

مطابق دیدگاه جان ماکسول، معلم رهبری، کار راهه توسعه رهبری، شبیه یک نردبان پنج پله ای است. بعضی به همان پله اول چسبیده اند در حالیکه برخی دیگر، در اثر بخشی ترقی می کنند! این پنج سطح رهبری عبارتند از:

حقوق (Rights):

پایین ترین سطح رهبری، بر حقوق یا جایگاه فرد مبتنی است. بعضی از رهبران، اقتدار خویش را از جایگاهشان کسب می کنند. این وضعیت در ارتش، سلسله مراتب نامیده می شود. بهترین راه فهمیدن اینکه شما در این سطح قرار دارید این است که از افراد زیر دست خود بخواهید کاری و رای وظایف شغلی خود یا مسئولیت های شما انجام دهند، رهبرانی که در این سطح عمل می نمایند، کمترین میزان همکاری را در موضوعات خارج از حیطه وظایف شغلی، از سوی زیردستان خود دریافت خواهند کرد. پیروان این رهبران، عموماً دارای سطح اخلاق کاری پایین و نرخ ترک شغل بالا هستند.

رابطه (Relationship):

در حالیکه رهبری برای بسیاری از افراد با انتصاب در یک موقعیت شغلی آغاز می شود، ماندن در این سطح رهبری، مشکلاتی به همراه دارد. راه حل، رفتن به سطح بعدی رهبری، یعنی برقراری ارتباط و تفاهم با زیردستان است. این گروه از رهبران، مردم گرا نامیده می شوند. آنها همکاران خود را به نام شناخته، از تواناییها و میزان تلاش آنها مطلع اند. در این سطح، افراد بواسطه آنکه رهبر، آنها را دوست خویش می داند به وی اعتماد کرده و برایش کار می کنند.

نتایج (Results):

در حالیکه رهبران سطح دو، عملکرد موثرتری نسبت به رهبران سطح یک دارند، در نهایت رهبران می باید نتایج کار را نشان دهند. رهبران باید قادر باشند به گونه ای بر پیروان خود اعمال نفوذ نمایند که در پایان هر روز، محصول خود را عرضه نمایند. رهبرانی که در این زمینه ناموفق باشند، بهتر است دوست نامیده شوند تا رهبر، زیرا افراد دوست دارند از کسانی پیروی کنند که ثمر بخش باشند.

جانشین پروری (Reproduction):

تصور ماشینی که هیچگاه از کار نیفتد، ممکن نیست، بطور مشابه، رهبرانی که در سطح سه فعالیت می کنند نیز، به زودی فرسوده خواهند شد. سطح چهار رهبری، مربوط به جانشین پروری است. رهبری خردمند است که زمان و انرژی خود را صرف پرورش رهبرانی دیگر نماید. در این شیوه رهبر، گلوگاه پیشرفت کارکنان نخواهد بود. جانشین پروری برای یک رهبر، در حکم افزایش اثربخشی اوست. رهبرانی که می خواهند میراثی از خود بجا بگذارند، باید رهبران دیگری پرورش دهند.

اگر چه ممکن است با همه آنچه که آقای لی کوان یی انجام داده است موافق نباشیم، می باید به او در زمینه پرورش رهبر احترام بگذاریم، چرا که او در این زمینه بسیار عالی عمل کرده است.

احترام (Respect):

اغلب مردم قادرند با سختکوشی، تا سطح چهارم نردبان رهبری ارتقا یابند، اما بالاترین سطح رهبری قابل برنامه ریزی نیست. این امریست که به دست می آید و توسط دیگران به شما ارزانی می شود. مردم به کسانی اعتماد می کنند که هواخواهشان باشند. مادر ترزا، مارگارت تاچر و گاندی نمونه هایی از چنین رهبرانی هستند. رهبران سطح پنج، یک ویژگی مشترک دارند یعنی، همگی از شخصیتی یکپارچه برخوردارند.

نتیجه گیری:

مهم نیست که شما امروز در کدام سطح از نردبان رهبری هستید، مسئله اصلی این است که آیا می خواهید برای همیشه در این سطح باقی بمانید یا اینکه قصد دارید به سطح بالاتری از اثربخشی رهبری صعود نمایید؟ شما یک رهبرید و می توانید رهبر بهتری باشید.